گزارش

یک وکیل دادگستری
در گفت‌وگو با «شهروند» مطرح کرد:

محکومیت قضائی استاد دانشگاه تهران به دلیل ضرب و شتم یک دانشجو

دانشجوی شاکی: به دلیل شأن دانشگاه حکم را اجرا نمی‌کنم

شهروند| خرداد ۱۳۹۴ اخباری در رسانه‌ها منتشر شد که از ضرب و شتم دانشجوی زبان فارسی دانشگاه تهران توسط یکی از اعضای هیأت‌علمی حکایت داشت؛ خبری که منجر به تجمع دانشجویان و بیانیه این دانشگاه مبنی بر پیگیری جدی موضوع و برخورد با فرد خاطی اعم از دانشجو یا استاد، داشت. اکنون و پس از گذشته بیش از ۱۸ ماه، وکیل این دانشجو در گفت‌وگو با «شهروند» از محکومیت قضائی عضو هیأت‌علمی دانشکده ادبیات و زبان‌فارسی دانشگاه تهران سخن می‌گوید. پیش از این «امین رمضانی»، دبیر شورای صنفی دانشگاه تهران درباره جزییات این حادثه گفته بود: «جمعی از دانشجویان دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، درمورد مخدوش‌بودن صلاحیت یک استاد دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشکده درحال تدوین اعتراض‌نامه‌ای بودند که این استاد با یکی از امضاکنندگان این نامه فحاشی و برخورد فیزیکی کرده و محل را ترک می‌کند.» «امید امجد» نام مدرسی است که این اتهامات درباره‌اش بیان شده بود؛ بارها و در گفت‌وگو با رسانه‌ها، این موارد را رد کرد. عضو هیأت‌علمی دانشگاه تهران مردادماه سال‌جاری و در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجو از تبرئه خود سخن گفته بود و به توضیح جزییات این ماجرا پرداخت: «دانشجویان به من اتهام زدند دانشجویی را در راهروی دانشگاه به بدترین شکل ممکن مورد ضرب‌وشتم قرار دادم و به آن فحاشی کردم. مسئولین دانشگاه نیز بدون این‌که ابتدا تحقیقی دراین خصوص به عمل بیاورند، گزارش دانشجویان را به صورت مکتوب به ریاست دانشگاه فرستادند و قضیه به دادگاه هیأت تخلفات اعضای هیأت علمی کشیده شد. این خبر حتی در رسانه‌های غربی مثل BBC نیز بازتاب داشت و دانشجویان نیز شروع به شلوغ‌کردن درفضای دانشگاه کردند. این پرونده واقعا خنده‌دار بود؛ چراکه شاکیان و شاهدان همه یک تیم بودند و اصل ماجرا این بود که چند تن از دانشجویان از روزهای قبل به جمع‌کردن طوماری علیه من اقدام کرده بودند.» مجد در آن گفت‌وگو از تبرئه خود سخن گفته بود: «حکم صادر شد و من تبرئه شدم. دادگاه من را از هرگونه درگیری فیزیکی تبرئه کرد و من نیز شدیدا این اتهام را تکذیب می‌کنم، اما به خاطر توهین به دانشجو اخطار شفاهی دریافت کردم که دراین خصوص نیز تقاضای تجدیدنظر دادم؛ چراکه همین حکم را هم برمبنای حرف همان دانشجویان شاکی که شاهد نیز بودند، صادر کردند.» حالا و پس از گذشت بیش از ۱۸ ماه از درگیری این دانشجو و مدرس دانشگاه، «محمدعلی کامفیروزی»، وکیل این دانشجو از صدور حکم «محکومیت قطعی استاد مزبور هم به اتهام توهین عمدی و هم به اتهام ضرب و جرح عمدی» سخن می‌گوید. کامفیروزی دراین‌باره می‌گوید: «در روز ۲۰ خردادماه سال ۱۳۹۴، آقای مجد، دانشجویی به نام سیدرضا موسوی هفتادر- را با لفظ ناشایستی خطاب قرار داده و ایشان را به کمدهای کنار راهرو کوبید، به‌گونه‌ای که مخاط لب ایشان دچار جراحت و خونریزی شد.» وکیل دادگستری در توضیح اتفاقات بعد از این درگیری هم می‌گوید: «در ادامه آقای مجد نه‌تنها ماجرا را تکذیب کرد، بلکه اقدام به انتساب اتهامات متعددی به موکل من در رسانه‌ها کرد و حتی الفاظ ناشایستی را درباره ایشان به کار برد. به‌گونه‌ای که نهایتا به دلیل اهمال دانشگاه در رسیدگی و برخورد مناسب با استاد خاطی، راهی جز پیگیری شکایت کیفری برای موکل من باقی نماند.» این وکیل دادگستری نتیجه حکم دادگاه را محکومیت قطعی استاد اشاره شده می‌داند: «چند روز پیش در شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، رأی قطعی مبنی بر محکومیت آقای مجد به هر دو اتهام توهین و ضرب و جرح عمدی صادر شد. البته موکل من به دلیل شأن و حرمتی که برای دانشگاه قایل است، اعلام کرده که به دنبال اجرای رأی نیست و رضایت خود را دراین پرونده قضائی اعلام می‌کند.» این نخستین‌بار نیست که رابطه یک استاد و دانشجو به درگیری فیزیکی می‌رسد؛ پیش از این و دربرخی از دانشگاه‌های کشور ازجمله زنجان، درگیری دانشجو و معلم دانشگاه به چنین مرحله‌ای رسیده، اما نخستین‌بار است که این درگیری از مجاری قضائی پیگیری و منجر به صدور حکم می‌شود.

روایت کارگران، فروشندگان و کارفرمایان «پلاسکو» که پس از فروریختن ساختمان ۱۵ طبقه، زندگی‌شان را از صفر شروع کردند

خانه خراب شدیم

تعدادی از فروشندگان و توزیع کنندگان: حقوق دی‌ماه را نگرفته بودیم که ساختمان فروریخت

کارفرمایان: ما چون خودمان کارفرما بودیم، مشمول بیمه بیکاری نمی‌شویم

عکس: سعید غلامحسینی / شهروند

زهرا جعفرزاده| با دفترچه‌های بیمه منتظرند تا اسم‌شان را صدا کنند؛ «آقای محمدی.» از بین جمعیت راهی پیدا می‌کند و می‌دود سمت اتاقی که کارمند زن، فرمش را گرفته. سالن ۶ طبقه اول، اداره تأمین اجتماعی جنوب غرب تهران، شلوغ است، آن‌قدر شلوغ که جای سوزن انداختن نیست. مردان جوان و میانسال به صف ایستاده‌اند، برخی هم نشسته‌اند: «خانه‌خراب شدیم.» این را یکی از همان مردان جوان می‌گوید و سری تکان می‌دهد. موهایش ژولیده است و صورت اصلاح‌نشده‌اش سیاه.

آنها کارگران ساختمان ۱۵ طبقه پلاسکو هستند؛ ساختمانی که تنها ۱۰ دقیقه پیاده تا شعبه ۲۴ اداره تأمین اجتماعی فاصله دارد. آنها از شنبه‌شب که تقی نوربخش، رئیس سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرد که کارگران پلاسکو برای پیگیری بیمه‌شان به این شعبه مراجعه کنند، راه خیابان سی تیر را گرفتند و از صبح زود با دفترچه‌های بیمه، در راهروی باریک طبقه اول، صف کشیدند: «دو ساعت است این‌جا هستم، فرم را دادم، نمی‌دانم قبول می‌کنند یا نه.» این را پسر جوانی که کاپشن کوتاهی پوشیده می‌گوید. ۶ سال در پلاسکو کار کرده، اما حتی یک روز هم بیمه نبوده: «یک و دویست حقوق می‌گرفتم، اما صاحب‌کارم بیمه‌ام نکرده بود، حالا هم به ما می‌گویند فقط آنهایی که بیمه هستند می‌توانند بیمه بیکاری بگیرند. نمی‌دانم می‌خواهند با ما چه کنند. باید منتظر بمانم.» امیدی ندارد که آخر بهمن، پولی دستش را بگیرد: «خیلی از کارگرهای پلاسکو بیمه نبودند. تعدادی هم خودشان را بیمه کرده بودند، اما اگر بیمه اختیاری باشد، مشمول بیمه بیکاری نمی‌شود.»

هر مغازه پلاسکو، دو تا سه کارگر داشت

مغازه‌های پلاسکو هر کدام، دو تا سه کارگر داشت، افرادی که به‌عنوان توزیع‌کننده و فروشنده آن‌جا کار می‌کردند: «کارفرمای ما هم خودش ورشکسته شده. از او هم نمی‌توانیم توقعی داشته باشیم، خیلی از کارفرماها خودشان آمده‌اند برای بیمه بیکاری.» اینها را همان جوان می‌گوید: «کف حقوق کارگران در پلاسکو، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود، اما مثل این که بیمه فقط ۸۰۰ هزار تومان می‌دهد، آن هم سه ماه.» این را با نگاه پرسشگری از مرد کناری‌اش می‌پرسد. او تأیید می‌کند: «من خودم بیمه هستم. یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان حقوق می‌گرفتم اما حالا به ما گفته‌اند ۸۱۲ هزار تومان یعنی کف حقوق کارگر را به ما می‌دهند. این بیمه هم برای سه ماه است، بعدش را نمی‌دانیم.» او فروشنده یکی از مغازه‌های طبقه همکف پلاسکو بود: «بیشتر فروشندگان و توزیع‌کننده‌های پلاسکو که خودشان کارفرما نیستند، متاهل هستند و بچه دارند، اینها چه باید بکنند.» آن دیگری به میان حرف‌هایشان می‌آید: «من هنوز حقوق دی‌ماه را نگرفته‌ام، اوضاع اقتصادی خوب نبود، کارفرما هنوز حقوق‌مان را نداده بود، خیلی‌ها مثل من هستند، الان هم نمی‌دانم حقوق دی‌ماه به من تعلق می‌گیرد یا نه. از کارفرما که انتظاری نیست، یکی باید به خودش پول بدهد.» آقای «غیاثوند»، پنجشنبه یعنی روز حادثه تا نیم‌ساعت قبل از ریزش ساختمان در مغازه بود: «آتش‌نشانی به ما گفت تخلیه کنید، تا ما به خودمان بجنبیم، آمدند و همه را ریختند بیرون، فکر نمی‌کنم دیگر کسی در طبقات مانده بود، ما که آمدیم بیرون، یه کم بعدش ساختمان ریخت.» چشم‌هایش قرمز است. شب‌های قبل نخوابیده: «خیلی از خانواده‌ها با ریزش این ساختمان بدبخت شدند، چه آنها که کسی را از دست دادند و چه آنها که مال‌شان را. ما هم یکی از آنهاییم.» مغازه‌ای که غیاثوند در آن کار می‌کرد، بیمه نداشت، هیچ بیمه‌ای: «آنهایی که بیمه آتش‌سوزی بودند، الان می‌توانند پول بگیرند، اما سقف بیمه آتش‌سوزی ۲۰۰ میلیون تومان است، درحالی که خیلی از مغازه‌ها ۴۰۰، ۵۰۰ میلیون تومان جنس داشتند.» او هم مثل خیلی‌های دیگر، دو ساعتی است که آن‌جا سرپا ایستاده و از خستگی، به جلو خم شده.

خیلی‌ها با ریزش ساختمان پلاسکو بیکار شدند و سرمایه و زندگی‌شان را از دست دادند. دو سه روزی از این حادثه نمی‌گذشت که کانال‌های تلگرامی و اینستاگرام، آگهی‌هایی را دست‌به‌دست چرخاندند که حکایت از یک فراخوان انسان‌دوستانه داشت؛ فراخوان مزون‌هایی که از کارگران پلاسکو دعوت به کار کرده بودند. یکی از آنها مزون «آسمانه» است که در آگهی‌اش از خیاطان پلاسکو خواسته بود تا با شماره‌ای که در همان آگهی آمده بود، تماس بگیرند. اما به قول «حسینی»، زنی که این مزون را مدیریت می‌کند، تاکنون تماس زیادی با این مزون گرفته نشده است: «ما آگهی را دادیم اما تماس زیادی نداشتیم، چند نفری فقط زنگ زدند و پیگیر شدند، خودشان کارگر نبودند، معمولا اقوام و دوستان آن کارگران هستند. ما هم گفتیم بیایند، ببینیم که واقعا کارگر پلاسکو بودند یا خیر تا به آنها کار بدهیم، هر چند که تیم ما تکمیل است، اما فقط برای کمک به این افراد تا شب عید، آنها را به کار بگیریم.» کارگران پلاسکو آگهی را می‌بینند: «ما در پلاسکو چرخکار نداریم، شاید طبقات بالا چرخکار داشت، اما هر چه هست فروشنده و توزیع‌کننده بیکار است، خیاطان و چرخکاران خیلی زیاد نبودند.» به این آگهی‌ها اعتماد نمی‌کنند: «از این حرف‌ها زیاد است.» آگهی دیگری را نشانشان می‌دهم. شرکتی که کارمند در بخش‌های اداری و حسابداری و ... به کار می‌گیرد، آن هم فقط برای کارگران پلاسکو. کنجکاو می‌شوند: «خیلی نباید اینها را جدی گرفت، احتمالا اینها هم به خاطر آن وام ۳۰۰ میلیون تومانی می‌خواهند کارگر پلاسکو بگیرند، چون گفته‌اند برای هر یک کارگر، ۳۰۰ میلیون تومان وام می‌دهند، سه تا استخدام کنند، ۹۰۰ میلیون تومان گیرشان می‌آید، همین هم شده تا برخی سوءاستفاده کنند.» دو ماه مانده به عید، آن‌قدر ناامیدند که آگهی استخدام هم دل‌شان را گرم نکرد.

دو سه ماه دیگر سروکله طلبکاران پیدا می‌شود

کارفرماهای پلاسکو هم وضع بهتری نسبت به کارگرهایشان ندارند. آقای «فرامرزی» دو زانو روی زمین نشسته، چشمانش غم دارد: «روز حادثه بهشت زهرا بودم، سالگرد یکی از اقوام بود، اما دو کارگرم در مغازه بودند، زنده‌اند.» اتحادیه پوشاک به آنها گفته که خسارت هر کدام از مغازه‌ها کمتر از ۲۰۰ میلیون تومان نیست: «مغازه را سال ۸۹ در زیرزمین پلاسکو خریدم، کارگرهایم هم امروز برای بیمه بیکاری آمده‌اند، البته مثل این که بیمه بیکاری شامل حال ما که کارفرما هستیم، نمی‌شود؛ چون حق بیمه ۲۷ درصد را پرداخت کرده بودیم و آن ۳ درصد برای بیمه بیکاری را طبق قانون نداده بودیم.» فرامرزی مغازه‌اش را بیمه آتش‌سوزی نکرده بود: «این‌جا تنها منبع درآمدمان بود، خیلی‌ها بیکار شدند. البته من به‌طور مستقیم با ۵۰ نفر و غیرمستقیم با ۱۵۰ نفر کار می‌کردم؛ حالا آنها هم به مشکل خورده‌اند.» اندوه در صورتش پیداست: «مثل این که روز حادثه ۴، ۵ کارگر هنوز در ساختمان بودند که آوار ریخت؛ نمی‌دانیم چه بر سرشان آمده.» فرامرزی به آینده هم امیدی ندارد. می‌گوید که از دو سه ماه دیگر سروکله طلبکاران پیدا می‌شود، آنها هم پولشان را می‌خواهند: «الان همه با ما احساس همدردی می‌کنند، سازمان‌ها می‌آیند و حرف زیاد می‌زنند، اما وقتی همه چیز تمام می‌شود، تازه مشکلات شروع می‌شود، بدهی‌ها خیلی زیاد است، ۳۰۰، ۴۰۰ میلیون تومان بیشتر است.» کنارش مردی با صورت درهم رفته‌ای نشسته، جواب سوال‌ها را نمی‌دهد: «هر چه این آقا گفت، همین است.»

وضع‌مان صفر است

جلوی در اداره تأمین اجتماعی آدم‌ها می‌آیند و می‌روند: «طبقه دهم پلاسکو مغازه داشتم، مغازه پدری‌ام بود، ۴۰ سالی می‌شد. کلی سرمایه داشتیم، تمام اجناس شب عیدمان را که سفارش داده بودیم، آن‌جا جمع بود، نزدیک ۳۰۰ میلیون تومانی می‌شد، دومیلیارد تومان هم سرقفلی‌اش بود. حالا همه‌اش سوخته، بیمه آتش‌سوزی بودیم اما تا ۵۰ میلیون تومان. الان بیمه به ما می‌گوید که بروید دنبال وام ۳۰۰ میلیون تومانی. ما از کجا ماهی ۲۲ میلیون تومان بدهی بدهیم، الان نزدیک به ۶۰۰ کارفرمای پلاسکو، وضع‌شان مثل ماست؛ صفر.» مرادی سه کارگر داشت، آنها هم آمده‌اند اداره تأمین اجتماعی تا بیمه بیکاری بگیرند: «آن‌جا همه کار پخش می‌کردند، جز چند مغازه در طبقه‌های بالا؛ تولیدی نداشتیم.» کارگر مرادی، چند قدم آن طرف‌تر، دود سیگار را فوت می‌کند: «من ماهی ۸۵۰ هزار تومان حقوق می‌گرفتم، سه تا بچه دارم، آمدم این‌جا گفتند تقریبا اندازه حقوقم به من بیمه بیکاری می‌دهند.» علیرضا ۱۰، ۱۵ سالی می‌شود که در کار توزیع این مغازه است: «الان هیچی ندارم، نمی‌دانم وضعیتمان چه می‌شود، همه بیکار شدیم.» اینها را با حسرت می‌گوید و سوار ترک موتور دوستش می‌شود و می‌رود.

چند قدم آن طرف‌تر، گوشی تلفن همراه از دست «مهدی» نمی‌افتد، مدام در حال پیام فرستادن و حرف‌زدن است: «من مالک طبقه پانزدهم پلاسکو بودم، هزار متری می‌شد، نزدیک ۱۵ کارگر داشتم که هیچ‌کدام‌شان بیمه نبودند.» اینها را می‌گوید و جواب تلفن می‌دهد: «طبقه‌های بالای پلاسکو اغلب فروشگاه بود، داخل خود ساختمان تولیدی چندانی نداشتیم، چند برشکار آن‌جا بودند، بیشتر مغازه‌داران سفارش‌هایشان را به شهرستان‌ها می‌دادند تا ارزان تمام شود. تولیدی‌ها مال قدیم است.» مغازه‌های «مهدی» تا ۶ میلیارد تومان بیمه آتش‌سوزی بود؛ آمده تا تکلیف این بیمه را مشخص کند.

جلوی در اداره تأمین اجتماعی، فقط بیمه‌شدگان نیستند که آمده‌اند، آنهایی هم که گم شده‌ای در ساختمان فروریخته پلاسکو دارند، آمده‌اند: «پسرعمه‌ام داخل ساختمان بود، هیچ خبری از او نیست، از شهرستان آمدم ببینم چه کار می‌توانم بکنم.» خسته و درمانده است، با لهجه غلیظی حرف می‌زند.

ساعت ۲ ظهر، میدان منوچهری

جمعیت دور میدان و پیاده‌رو زیاد است، آن ساعت از ظهر، با این که رفت‌وآمدها به خاطر بسته‌بودن خیابان اصلی کم شده، اما هنوز شلوغ است؛ کارگران و کارفرماهای پلاسکو و پاساژ کویتی‌ها و دلارفروش‌ها با هم قاطی شده‌اند. آنها هم همان حرف‌های مراجعه‌کننده‌های بیمه را می‌زنند: «من نزدیک ۳۱ سال در پلاسکو ویزیتور بودم، ۷۰ میلیون تومان آن‌جا جنس داشتم که همه‌اش سوخت، حالا من باید جوابگوی کارخانه‌ها باشم.» اینها را مرد میانسالی می‌گوید و عکس‌هایی که از روز حادثه از ساختمان پلاسکو گرفته را از گوشی تلفن همراهش نشان می‌دهد: «شب عیدی همه اجناس آماده بود، آن‌قدر ضرر کرده‌ام که زن و بچه‌ام را فرستادم بروند شهرستان خودم بروم دنبال کارها.» او دنباله حرف‌هایش را می‌گیرد و می‌گوید: «خیلی از کارفرماها کارگران را بیمه نمی‌کنند؛ چون می‌ترسند از آنها شکایت کنند، همین هم شده تا خیلی از کارگران پلاسکو بیمه نداشته باشند.»

اتحادیه پوشاک وعده داد

کارفرماهای پاساژ کویتی‌ها در فاصله کمی از آنها ایستاده‌اند، همان‌ها که چند روز پیش، بنر بزرگی روی ساختمان‌شان زده‌اند که در آن از «آسیب‌دیده‌های ساختمان پلاسکو» دعوت به کار در پاساژشان کرده بودند؛ اما پلاسکویی‌ها می‌گویند پاساژ کویتی‌ها ظرفیت این همه آدم و جنس را ندارد: «ما هم این چیزها را شنیدیم، اما مگر می‌شود؟ خود کویتی‌ها هم مشکل دارند، مغازه‌هایشان پر است.» کناری‌اش، مرد جوانی است از او سراغ «جواد» را می‌گیرد. جواد کارگر یکی از مغازه‌های پلاسکوست که چهار روز است که از او خبری نیست، زیر آوار است: «امروز اتحادیه پوشاک در حسینیه فاطمه‌زهرا برایمان جلسه گذاشته بود، به ما گفتند به‌سرعت یک جایی برای‌مان در نظر می‌گیرند تا کار کنیم، باید ببینیم چه می‌شود. خیلی‌ها در این جلسه اعتراض کردند، صداها بالا رفت، تکلیف‌شان معلوم نیست.»

وزیر بهداشت می‌گوید جمعیت مبتلایان به سرطان تا ۱۵ سال آینده ۵۰ درصد بیشتر می‌شود

هزینه سالانه سرطان در ایران؛ ۱۰ هزار میلیارد تومان

معاون بهداشت وزارت بهداشت: هر سال در دنیا ۸۰ میلیون نفر و در ایران بین ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر بر اثر سرطان، جان خود را از دست می‌دهند

معاون درمان وزارت بهداشت: در دنیا سالانه ۲۹۰ هزار میلیارد دلار و در ایران ۳ هزار میلیارد تومان به‌طور مستقیم برای سرطان هزینه می‌شود

شهروند| سرطان که در ایران سالانه ۹۲ هزار نفر را گرفتار می‌کند، هزینه‌ای بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد تومان برای درمان به کشور وارد می‌کند؛ بار مالی که به گفته وزیر بهداشت، تنها ۱۷ درصد آن از جیب مردم پرداخت می‌شود. این درحالی است که همین دوماه پیش، رئیس انجمن سرطان ایران با احتساب آمار بیش از ۹۰ هزار نفری ابتلا به سرطان در ایران، هزینه درمان این بیماری را ۳۱ میلیارد دلار برابر با ۱۲ هزار میلیارد تومان تخمین زد. عجیب این که طبق گفته معاون بهداشت که او هم دیروز درهمایش پویش ملی مبارزه با سرطان سخن می‌گفت، مردم ایران سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان خرج مصرف دخانیات می‌کنند که خود از عوامل مهم بروز سرطان است؛ بیماری که براساس گفته او، آمار ابتلای آن در ایران از ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر است و پیش‌بینی شده با پیرترشدن جمعیت تا ۱۵ سال آینده، ۵۰ درصد بیش از این شود؛ یعنی نیاز مالی بیشتر. دراین همایش همچنین معاون درمان هم اعلام کرد؛ درحالی که در کشورهای توسعه‌یافته بین ۸ تا ۱۱ درصد از هزینه‌های سرطان، صرف دارو می‌شود اما این رقم در ایران به ۵۰ درصد و برابر یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان می‌رسد.

خدمات مطلوب اما ناکافی است

صبح دیروز حسن قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور با حضور درهمایش پویش ملی مبارزه با سرطان که در بیمارستان محک برگزار شد، از آمار ابتلای سالانه ۹۲ هزار نفر به سرطان اشاره کرد که با احتساب سرطان پوست این آمار به ۱۰۰ هزار مورد می‌رسد. با این حال، او اعلام کرد که آمار ابتلا در ایران نسبت به بسیاری از کشورها کمتر است، چراکه ایران هم‌اکنون جمعیتی جوان دارد و «هرچه جمعیت کشور مسن‌تر باشد، آمار سرطان افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود که ظرف ۱۵ سال آینده تقریبا ۵۰ درصد تعداد سرطان افزایش یابد.» او بار مالی بیماری سرطان در کشور که هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم را شامل می‌شود، حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان است که ۸۳ درصد آن را دولت پرداخت می‌کند و مابقی را مردم از جیب می‌دهند. وزیر بهداشت از این ۸۳ درصد به‌عنوان «خدمات مطلوب» به مردم یاد کرد که در دولت یازدهم پرداخت می‌شود و به گفته او «البته ناکافی است». هاشمی علاوه بر مسائل محیطی، آب و هوا و سبک زندگی، عوامل رفتاری را هم از علل ابتلا به سرطان یاد کرد و گفت: «وقتی در کشور شاهد اعتیاد، سیگار، کم‌تحرکی و مصرف بیش از اندازه شکر و نمک و استرس هستیم، طبیعی است که آمار سرطان افزایش پیدا کند.» وزیر بهداشت اقدام به پیشگیری را از سوی کل حکومت لازم دانست و با اشاره به این که برای پیشگیری از سرطان اقداماتی صورت گرفته، از «تصمیمات خوب» در شورای عالی سلامت و امنیت غذا در مرکز و استان‌ها سخن گفت و ادامه داد: «انتظار داریم که تصمیم‌گیری‌ها با جسارت بیشتری اتخاذ شود، حتی اگر خوشایند بخشی از ما نباشد.» مدرنیزه‌شدن سبک زندگی و تغییر خوراک و آشامیدنی هم موضوع دیگر مورد بحث از سوی وزیر بود که «برای سلامتی زیان‌آور است»، پس «بخش زیان‌آور باید شناسایی شود» و «رسانه‌ها هم برای رعایت همه، اطلاع‌رسانی کنند.» او در بخش دیگری از گفته‌های خود، ابراز اطمینان کرد که با برنامه‌هایی که وزارت بهداشت در درمان بیماران سرطان دارد، ظرف دو- سه‌سال آینده عدالت در دسترسی اتفاق بیفتد: «یعنی در اکثر شهرها مراکز شیمی‌درمانی و در مراکز استان‌ها، مراکز رادیوتراپی خواهیم داشت. همچنین در بخشی از استان‌ها که ۱۵ قطب است، پیشرفته‌ترین خدمات سرطان از نظر درمانی، تشخیصی و جراحی مستقر خواهد شد.»

۱۵۰۰ میلیارد تومان خرج دارو

علی‌اکبر سیاری، معاون بهداشت وزارت بهداشت هم از دیگر سخنرانان این همایش بود که از تفاوت آمار ابتلا و هزینه سرطان در ایران و جهان حرف زد: «هر سال در دنیا ۱۴ میلیون نفر و در ایران حدود ۱۰۰ هزار نفر به سرطان مبتلا می‌شوند و سالانه در دنیا ۸۰ میلیون نفر و در ایران بین ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر بر اثر سرطان، جان خود را از دست می‌دهند و این روند رو به افزایش است. از حدود ۸ هزار میلیارد تومانی که هر سال در حوزه دارو توسط دولت هزینه می‌شود، حدود یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای داروهای بیماران سرطانی صرف می‌شود، بنابراین لازم است که به سمت پیشگیری و تشخیص زودهنگام حرکت کنیم.» سیاری با بیان این که در دنیا برنامه‌های جامعی برای مقابله و کنترل سرطان وجود دارد، از عوامل خطر سرطان ازجمله مصرف سیگار و عدم تحرک و عوامل محیطی مانند آلودگی هوا یاد کرد و بیش از همه سیگار را مدنظر قرار داد: «مردم ایران سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان پول می‌دهند که زودتر جان خود را بر اثر مصرف دخانیات از دست بدهند و هر سال حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار مرگ در کشور، مرتبط با دخانیات است.» او با اشاره به همکاری وزارت بهداشت با وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، ورزش و جوانان و آموزش‌وپرورش برای کاهش بیماری‌های غیرواگیر، افزایش مالیات سیگار را یکی از اقدامات مهم وزارت بهداشت با همکاری مجلس دانست، اما گفت: «صاحبان صنایع دخانیات در دنیا به قدری قدرت دارند که ممکن است این‌گونه اقدامات را خنثی کنند.»

هزینه سرطان بیشتر از بیماری قلبی

محمد آقاجانی، معاون درمان وزارت بهداشت، هم درهمایش پویش ملی مبارزه با سرطان با اشاره به این که در کشورهای توسعه‌یافته بین ۸ تا ۱۱ درصد از هزینه‌های سرطان، صرف دارو می‌شود، گفت: «در ایران ۵۰ درصد از هزینه‌های سرطان یعنی حدود یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان، برای دارو هزینه می‌شود؛ زیرا زیرساخت‌های پرتودرمانی و جراحی سرطان، درطول سالیان گذشته به اندازه کافی توسعه پیدا نکرده بود.» او ادامه داد: «در دنیا سالانه ۲۹۰ هزار میلیارد دلار و در ایران ۳ هزار میلیارد تومان به صورت مستقیم برای سرطان هزینه می‌شود و جمع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم این بیماری در دنیا یک‌هزار و ۱۶۰ میلیارد دلار معادل ۳ درصد تولید ناخالص جهانی و در ایران این رقم حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان است.» آقاجانی گفت: «هزینه‌های سرطان ۱۹ درصد بیشتر از بیماری‌های قلب و عروقی به‌عنوان نخستین علت مرگ مردم دنیاست و هر سال حدود ۴۵۰ هزار سال عمر به دلیل ابتلا به سرطان از بین می‌رود.» او درباره میزان بقای ۵ ساله بیماران با مداخلات پزشکی، ادامه داد: «در آمریکا میزان بقای ۵ ساله در سرطان پستان ۸۹ و در ایران ۷۱ درصد است، همچنین میزان بقای ۵ ساله در آمریکا در سرطان روده بزرگ ۶۵ و در ایران ۴۱ درصد است، بنابراین لازم است که روش‌ها تغییر یابد و زیرساخت‌ها توسعه یابد.» به گفته آقاجانی: «از ۸ هزار میلیارد تومان هزینه‌های دارویی کشور در سال، یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان صرف داروهای شیمی‌درمانی می‌شود که در طرح تحول سلامت، ۸۷ درصد از آن توسط دولت یعنی وزارت بهداشت و بیمه‌ها تأمین می‌شود که یکی از اقدامات بسیار موثر در جهت حفاظت مالی از مردم است.»

روی خط خبر

یک کمپین جدید
برای آتش‌نشان‌های حادثه پلاسکو

«آنها را شهید بخوانید»

تندگویان، فرزند وزیر نفت شهید ایران و عضو شورای شهر تهران به رئیس مجلس برای شهید نامیدن آتش‌نشانان نامه نوشت

شهروند| محمدمهدی تندگویان، فرزند وزیر نفت شهید ایران و عضو شورای شهر تهران هم‌پای فرزندان شهید درنامه‌ای به علی لاریجانی، رئیس مجلس از او خواسته است برای شهید نامیدن آتش‌نشانان جانباخته، تمهیدی بیندیشد.

ماجرا از یک کمپین ساده جمع‌آوری امضا درباره شهدای آتش‌نشان شروع شد که آوازه آن درشبکه‌های اجتماعی پیچید: «آیا می‌دانستید شهدای آتش‌نشان که درحادثه تأسفبار پلاسکو جان خود را فدای مردم کردند، جز شهدای ایثارگر به حساب نیامده و تنها به‌عنوان شهید خدمت به شمار آمده‌اند؟» دراین گروه‌ها از مردم خواسته شده بود تا علاوه بر امضا، این آگهی را در صفحات اجتماعی خود به‌اشتراک بگذارند؛ حرکتی که با استقبال فرزند وزیر نفت شهید ایران روبه‌رو شد. درنامه‌ای که روز گذشته تندگویان برای رئیس مجلس نوشته است: «ما به‌عنوان یادگاران ایثار و مقاومت در انقلاب اسلامی و هشت‌سال دفاع مقدس مراتب اعتراض خود را نسبت به تصمیم بنیاد شهید مبنی بر شهید دانستن شهدای آتش‌نشانی و بالاخص شهدای حادثه پلاسکو به‌جای ثبت به‌عنوان شهید ایثارگر به استحضار جنابعالی و تمامی نمایندگان دلسوز مردم در مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران می‌رسانیم.» او دراین نامه با استناد به تبصره (۱) ماده (۴) اصلاحی قانون اساسنامه بنیاد شهید و امور ایثارگران، تبصره بند (الف) ماده (۱) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، آیین‌نامه تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، درحکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری (مفقودالاثر، جانباز، آزاده و اسیر) متذکر شد: «چه تفاوتی مابین شهدای دوران انقلاب اسلامی و پس از آن هشت‌سال دفاع مقدس و همچنین شهدای نیروی انتظامی و سپاه پاسداران در مأموریت‌های گوناگون ملی و همچنین قهرمانان و شهدای مدافع حرم و شهدای آتش‌نشانی که از جان خود برای حفظ و حراست از مال و جان و انفاس مسلمین و مردم عزیز کشورمان از دست داده‌اند، وجود دارد؟ چرا این شهدا که مظلومانه و گاهی با کمترین امکانات بی‌درنگ به دل آتش و دود زده و برای نجات حتی یک‌نفر چشم بر عافیت خود می‌بندند، باید در جرگه شهدای خدمت شمرده شوند؟ ما به‌عنوان امضاکنندگان این نامه که از جمعی از خانواده‌های ایثارگران و ملت شریف ایران، اعضای خانواده رسانه، هنر و نیروهای انقلابی و انتظامی کشور از شما درخواست داریم، در اسرع‌وقت این موضوع را رسیدگی کرده و با امضای اکثریت نمایندگان محترم تغییر قانونی و دیدگاه ملی را رقم بزنید.»

برای ۲۲ روز و
به منظور استفاده کشاورزان شرق اصفهان

زاینده‌رود جاری شد

شهروند| آب بالاخره زاینده‌رود را پیدا کرد. قبل از این مسئولان اصفهانی تاریخ آمدن آب به زاینده‌رود را اعلام کرده بودند و حالا آب، وعده‌ها را عملی کرده است. مدیرعامل شرکت آب‌منطقه‌ای استان اصفهان دیروز دراین‌باره گفت: «دریچه‌های سد زاینده‌رود از ساعت ۶ صبح یکشنبه بازگشایی و آب در رودخانه زاینده‌رود برای رسیدن به اصفهان، جاری شد.» مسعود میرمحمد صادقی ادامه داد: «اکنون حجم خروجی آب از دریچه‌های سد زاینده‌رود به ۶۰ مترمکعب در ثانیه افزایش یافته و امید است که آب رودخانه تا روز سه‌شنبه به کلاته‌شهر اصفهان و پس از آن به شرق اصفهان برسد.» او با اشاره به رأی کمیته ۵ نفره برای استفاده بهره‌برداران از آب زاینده‌رود، میزان آب رهاشده در بستر زاینده‌رود را ۶۰ مترمکعب برثانیه و جریان آن را ۲۲ روز اعلام کرد. به گزارش ایرنا، میرمحمد صادقی، هدف از بازگشایی زاینده‌رود را کشت کشاورزان به‌ویژه در شرق اصفهان اعلام کرد. پیش از این، معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب‌منطقه‌ای اصفهان میزان آب ذخیره‌شده در پشت سد زاینده‌رود را حدود ۲۶۰ میلیون مترمکعب اعلام کرده بود. براساس تصمیم شورای هماهنگی حوضه آبریز زاینده‌رود، قرار بود آب سد زاینده‌رود از ۲۸ دی امسال برای کشاورزان شرق اصفهان رهاسازی شود، اما به دلیل درخواست کشاورزان و ضرورت ساماندهی مسیر رودخانه این کار به سوم بهمن موکول شد. سهم حقابه کشاورزان شرق اصفهان از زاینده‌رود حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب است، سطح زیر کشت غله پاییزه در شرق شهرستان اصفهان حدود ۲۸ هزار هکتار است که این رقم کمتر از یک‌سوم از وسعت اراضی در دوران رونق کشت است. آب رودخانه زاینده‌رود برای کشت پاییزه کشاورزان شرق اصفهان پارسال در دومرحله در روزهای ۱۵ آبان و اول اسفند رهاسازی شد. زاینده‌رود از ارتفاعات چلگرد در چهارمحال‌وبختیاری و کوه‌های ف